

یگان موشکی سپاه چگونه پایه‌گذاری شد؟

۴ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۲۹

با تصمیم فرماندهان جنگ و سران نظام نوپای اسلامی، ۱۳ تن از مردان توپخانه سپاه راهی سوریه شدند تا ضمن گذراندن آموزش‌های لازم برای شلیک موشک اسکاد، یگان موشکی سپاه را هم پایه‌گذاری کنند.

پس از اینکه نیاز مبرم برای دادن پاسخ مناسب به جنگ شهرها و موشکباران و راکتباران شهرهای غربی کشور احساس شد، گروهی از فرماندهان و سران نظام تصمیم گرفتند که یک تیم ۱۳ نفره را از یگان توپخانه سپاه جدا کرده و برای گذراندن دوره‌های موشکی راهی سوریه کنند. پیش از اینکه فرماندهان جنگ به فکر اعزام یک تیم به سوریه بیافتند، در تیرماه سال ۶۳ محسن رفیق‌دوست وزیر وقت سپاه از سوی دو کشور لیبی و سوریه برای مذاکره و گفت و گو دعوت شد و او هم این دعوت‌ها را پذیرفت و عازم سوریه و لیبی شد.

در جریان سفر رفیق‌دوست به سوریه، وی از حافظ اسد برای دادن پاسخ درخور به تجاوزات بعثی‌ها درخواست کمک موشکی می‌کند، اما اسد به دلیل اینکه ذخایر موشکی سوریه تحت اختیار روس‌ها بود، فقط می‌پذیرد که نیروهای ایرانی را آموزش موشکی بدهد.

در سفر به لیبی هم، معمر قذافی رئیس‌جمهور این کشور به وزیر سپاه وعده تحویل موشک "اسکاد بی" می‌دهد و این ماجرا، باعث جدی‌تر شدن موضوع تشکیل یک یگان موشکی در سپاه شد.

آن روزها، حسن طهرانی مقدم جوانی تازه‌کار بود و با حکم رحیم صفوی حدود ۳ سالی بود که از مسئولیت تشکیل توپخانه سپاه و فرماندهیاش در این یگان می‌گذشت.

بهترین گزینه برای اعزام به سوریه از نظر فرماندهان سپاه، همان جوان پرکاری بود که حسن طهرانی مقدم نام داشت، جوان خوش فکری که فرماندهی توپخانه سپاه را هم برعهده داشته‌اند لذا او به همراه ۱۲ نفر دیگر و ۲ مترجم زبان عربی، برای اعزام به دوره آموزشی شلیک موشک انتخاب و پنجشنبه ۳ آبان ماه سال ۶۳ این گروه راهی سوریه می‌شوند، یعنی چند ماه بعد از توافق ایران با سوریه و لیبی برای ارائه آموزش‌ها و تحویل موشک‌های اسکاد بی.

تیم ایرانی به سرپرستی حسن طهرانی مقدم فرمانده توپخانه سپاه که وارد فرودگاه دمشق می‌شوند، گروهی از فرماندهان نظامی سوریه به استقبالشان آمده و آنها را به گرمی تحویل می‌گیرند.

*** شهید طهرانی مقدم در سوریه***

سپس، گروه راهی تیپ ۱۵۵ موشکی ارتش سوریه شده و ضمن دیدار با فرمانده موشکی ارتش، با برنامه‌های آموزشی خود آشنا می‌شوند. اما این برنامه‌ها برای حسن طهرانی مقدم و تیمش، خیلی دلچسب نبود چرا که اولاً زمان بسیاری از آنها می‌گرفت و ثانیاً در این زمان از دست رفته، تعدادی زیاد دیگری از مردم ایران در شهرها به خاطر موشکباران ارتش بعث عراق، شهید و زخمی میشدند.

این بود که طهرانی مقدم به برنامه اعتراض می‌کند و خواستار برنامه‌ریزی بهتر و فشرده‌تر برای تیم ایرانی می‌شود، موضوعی که نهایتاً پذیرفته و مقرر می‌شود که کلاس‌ها و دوره آموزشی برخلاف نظر افسران موشکی سوریه، فشرده‌تر برگزار شود تا تیم ایرانی سریعتر آموزش‌ها را گرفته و راهی ایران شود.

بر همین اساس کلاسها و گروههای مختلفی تشکیل شد که فرماندهی سکو، مونتاز و بارگیری موشک، تزریق سوخت، استقرار موشک و نصب کلاهک، نصب سرجنگی، گروه هواشناسی، گروه تست و ... از جمله گروهها و کلاسهایی بود که شکل گرفت. اما به اندازه همه این کلاس‌ها به طور مجزا نیروی ایرانی در تیم نبود و فقط همان ۱۳ نفر باید همه این دوره‌ها را می‌گذراندند، لذا مقرر شد که در ۲ وعده صبح تا ظهر و ظهر تا غروب، کلاس‌های مختلف تشکیل شود و آن ۱۳ نفر هر کدام در چند کلاس آموزش‌ها را فرا بگیرند.

به این ترتیب بود که آموزشها از ۱۲ آبان ماه سال ۶۳ در پادگان تیپ ۱۵۵ موشکی ارتش سوریه در دمشق آغاز شد.

موضوع آموزش‌ها، شلیک موشک غول پیکری به نام اسکاد بی بود، موشکی که تاکنون هیچ کدام از اعضای تیم ایرانی نمونه آن را حتی از نزدیک ندیده بود و این، کار را کمی دشوار کرد.

اما با وجود همه مشکلات، حسن طهرانی مقدم و تیمش، آموزش‌های لازم را فراگرفته و جزوهای فراوانی که حاصل چند ماه آموزش مستمر و فشرده بود، از فرآیندهای مختلف تست، آماده سازی، پرتاب و ... تهیه کردند.

به غیر از آن، از آنجایی که این تیم ایرانی به دستور مستقیم حافظ اسد رئیس جمهور وقت سوریه در مهمترین پادگان موشکی

این کشور استقرار یافته بود، تیم ایرانی از هر فرصتی برای آموزش بهره می‌برد به نحوی که صبح‌های زود و بعد از کوهپیمایی تیمی، اعضا بدون اینکه کسی مانع آنها شود، به داغ‌های مهمات، انبارهای موشکی و ... سرکشی می‌کردند تا از نحوه نگهداری موشک‌ها هم آگاه شوند.

دوره سه ماهه آموزش موشکی ۳۰ آذرماه سال ۶۳ به پایان رسید اما سوری‌ها پیشنهاد دادند که نحوه آماده‌سازی و شلیک راکت‌های فراگ را هم به افسران جوان ایرانی آموزش بدهند.

طهرانی‌مقدم هم با این پیشنهاد موافقت می‌کند و ۶ نفر از افسران جوان عضو تیم ۱۳ نفره را برای گذراندن دوره کوتاه آموزش شلیک راکت فراگ انتخاب و به سوری‌ها معرفی کرد و گروه راهی پادگاه دیگری برای گذراندن دوره شلیک راکت فراگ ۷ شدند.

چند روز طول کشید ولی نهایتاً این دوره هم به پایان رسید و افسران جوان ایرانی که حالا دیگر اولین افسران موشکی جمهوری اسلامی ایران بودند، ۱۱ دی ماه سال ۶۳ راهی تهران شدند.

وقتی هواپیمای مسافربری در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست، ساعت حدود ۳ بامداد بود اما در فرودگاه یک هواپیمای نظامی فرند شیپ متعلق به ارتش آماده انتقال حسن طهرانی مقدم و افسران جوان موشکی به کرمانشاه بود.

بر همین اساس تیم ۱۳ نفره موشکی از تهران راهی کرمانشاه شدند تا در پادگان شهید منتظری کاری بس بزرگ را بنا بگذارند یعنی آغاز فاز عملیاتی «تیپ موشکی حدید».

این تیپ را «امیرعلی حاجی زاده» که آن روزها افسر جوانی از یگان توپخانه سپاه بود، در غیاب افسران جوان موشکی در پادگان شهید منتظری راه اندازی کرد تا وقتی حسن طهرانی مقدم و تیمش به ایران بازمی‌گردند، ساز و کار و بسترهای لازم برای آغاز فعالیت اولین تیم موشکی سپاه فراهم باشد.

از سوی دیگر، موشک‌های اسکادی هم که لیبی وعده داده بود، وارد کشور شده و آماده شلیک بودند.

حالا همه چیز فراهم شده بود، تا ایران در جبهه‌های نبرد با دشمن بعثی، یک شوک بزرگ به ارتش متجاوز عراق وارد کند.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

